

تبیین و تحلیل جرم هرزه نگاری از دیدگاه فقه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

روح الله شیرزادی

چکیده

هرزه‌نگاری به عنوان یکی از پدیده‌های پیچیده عصر ارتباطات، در مرز میان اخلاق، فرهنگ، فناوری و حقوق کیفری قرار گرفته و به واسطه گستره انتشار و قابلیت بازتولید بی‌وقفه، از سطح یک رفتار فردی فراتر رفته و به مسئله‌ای اجتماعی با آثار گسترده بر عفت عمومی، امنیت روانی، بنیان خانواده و سلامت تربیتی تبدیل شده است. در نظام‌های حقوقی معاصر، جرم‌انگاری هرزه‌نگاری معمولاً با تکیه بر حمایت از اخلاق عمومی و صیانت از کودکان و خانواده توجیه می‌شود. در فقه اسلامی نیز، هرچند اصطلاح «هرزه‌نگاری» واژه‌ای جدید است، اما رفتارهای اصلی تشکیل دهنده آن، ذیل عناوین فقهی شناخته شده‌ای مانند اشاعه فحشا، اعانه بر اثم، تهییج به گناه، هتک حرمت، نگاه و لمس حرام، و افساد اخلاقی قابل تحلیل است. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع فقهی و حقوقی، ابتدا مفهوم هرزه‌نگاری را از حیث ماهیت، مصادیق، مرزهای آن با حوزه‌های مجاز و نقش عنصر «انتشار» تبیین می‌کند، سپس مبانی فقهی جرم‌انگاری را بر اساس ادله شرعی و قواعد فقهی بررسی کرده و در ادامه، ارکان جرم هرزه‌نگاری را از منظر فقه، شامل عنصر مادی، معنوی و موضوع جرم، تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه امامیه ظرفیت روش‌مند برای صورت‌بندی جرم هرزه‌نگاری دارد، اما چالش اصلی در تعیین حدود مصادیق، تفکیک رفتارهای خصوصی از رفتارهای عمومی، و انطباق با اقتضائات فضای مجازی و فناوری‌های نوین است. در پایان، راهکارهایی برای تنظیم سیاست کیفری مبتنی بر فقه ارائه می‌شود که بر پیشگیری فرهنگی، تفکیک سطوح مسئولیت، تناسب واکنش کیفری و حمایت ویژه از کودکان و خانواده تأکید دارد.

واژگان کلیدی: هرزه‌نگاری، فقه امامیه، اشاعه فحشا، تعزیر، عفت عمومی، فضای مجازی



مقدمه

تحول فناوری‌های ارتباطی، به‌ویژه فراگیری اینترنت پرسرعت، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوشمند، الگوهای تولید و مصرف محتوا را دگرگون کرده است. در این میان، محتوای جنسی آشکار یا تحریک‌کننده، با سرعت و سهولت بیشتری در دسترس قرار گرفته و از شکل سنتی خود، یعنی تولید محدود و توزیع پنهانی، به زیست‌بومی گسترده با قابلیت دسترسی همگانی تبدیل شده است. هرزه‌نگاری نه تنها با بُعد فردی شهوت‌انگیزی و تحریک جنسی تعریف می‌شود، بلکه به دلیل سازوکارهای بازار، الگوریتم‌های توصیه‌گر، و اقتصاد توجه، می‌تواند به پدیده‌ای ساختاری بدل گردد که در آن «تداوم مصرف» و «گسترش مخاطب» به هدف اصلی تبدیل می‌شود.

از منظر اجتماعی، تجربه بسیاری از جوامع نشان می‌دهد که دسترسی بی‌ضابطه به هرزه‌نگاری با پیامدهایی چون تغییر هنجارهای جنسی، تضعیف روابط پایدار خانوادگی، افزایش انتظارات غیرواقع‌گرایانه از روابط، شیء‌انگاری بدن، آسیب به تربیت کودکان و نوجوانان، و ایجاد زمینه برای برخی جرائم مرتبط همراه است. البته درباره شدت و نوع این پیامدها میان پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد، اما اصل مسئله بودن آن، به‌ویژه در جوامع دینی که «عفت» و «حریم خصوصی» در آن جایگاه هنجاری و ارزشی دارد، قابل انکار نیست. در فقه اسلامی، هرچند عنوان مستقل «هرزه‌نگاری» در متون کلاسیک وجود ندارد، اما فقه همواره با پدیده‌های نوظهور از طریق ابزارهای اجتهادی مواجه شده و آن‌ها را با عناوین کلی و قواعد عام تحلیل کرده است. بدین معنا، موضوع تازه، ذیل حکم ثابت یا حکم متغیر قرار می‌گیرد و سپس نسبت آن با مصالح و مفاسد بررسی می‌شود. اهمیت این موضوع از آن روست که



جرم‌انگاری در یک نظام حقوقی متأثر از فقه، باید از پشتوانه فقهی برخوردار باشد و هم‌زمان بتواند حدود، ثغور، و معیارهای روشن برای تشخیص مصادیق و تعیین ضمانت اجرا ارائه دهد. این پژوهش می‌کوشد با تبیین مفهومی هرزه‌نگاری و تحلیل ارکان آن، ظرفیت‌های فقه برای جرم‌انگاری و تنظیم سیاست کیفری را نشان دهد و در عین حال، دشواری‌های نظری و عملی مواجهه فقهی با هرزه‌نگاری در فضای مجازی را نیز واکاوی کند.

بخش اول: کلیات و مفاهیم بنیادین

هرزه‌نگاری در ادبیات عمومی معمولاً به تولید، نمایش یا توزیع تصاویر، فیلم‌ها، نوشته‌ها یا صداها یی گفته می‌شود که هدف غالب آن تحریک جنسی است و در آن، عریان‌نمایی یا کنش جنسی به صورت آشکار و با کارکرد لذت‌برانگیز ارائه می‌شود. در تحلیل حقوقی و فقهی، تعریف باید دقیق‌تر باشد، زیرا آثار کیفری به «تعریف» وابسته است و هرچه تعریف مبهم‌تر باشد، خطر گسترش بی‌ضابطه جرم‌انگاری و نقض امنیت حقوقی افزایش می‌یابد.

در مقام مفهوم‌سازی، چند عنصر در هرزه‌نگاری نقش محوری دارد. عنصر نخست، «محتوا» است؛ یعنی نمایش یا توصیف جنسی که از سطح اشاره‌های غیرمستقیم فراتر می‌رود. عنصر دوم، «غایت» یا «کارکرد غالب» است؛ اگر هدف اصلی اثر، آموزش پزشکی یا تربیت جنسی علمی و ضابطه‌مند باشد، در همان قالب نمی‌توان آن را هرزه‌نگاری دانست، هرچند ممکن است به دلیل شیوه ارائه، از حیث اخلاقی یا فقهی محل اشکال شود. عنصر سوم، «زمینه انتشار و مخاطب» است؛ محتوا وقتی در معرض عموم قرار می‌گیرد یا برای جذب مخاطب عمومی طراحی می‌شود، نسبت آن با عفت عمومی و اشاعه فحشا جدی‌تر می‌گردد. عنصر چهارم، «شدت و صراحت» است؛ همه محتوای جنسی در یک سطح نیست و باید میان بیان هنری



کنترل‌شده، اشاره‌های ضمنی، و نمایش صریح اعمال جنسی تفکیک کرد. از منظر فقهی، پرسش اصلی این است که هرزه‌نگاری را باید در کدام دسته از موضوعات جای داد. اگر آن را صرفاً «نگاه به حرام» یا «تصویر حرام» بدانیم، تحلیل به حوزه رفتار فردی محدود می‌شود. اما اگر آن را «انتشار فحشا» و «تهییج به گناه» تلقی کنیم، فقه آن را به‌عنوان کنش اجتماعی با آثار عمومی بررسی می‌کند و قلمرو مسئولیت گسترده‌تر می‌شود. در فضای مجازی، غالباً هر دو بُعد هم‌زمان وجود دارد؛ تولیدکننده یا توزیع‌کننده با یک کنش، هم زمینه نگاه حرام را فراهم می‌کند و هم اشاعه فحشا را رقم می‌زند.

نکته مهم دیگر، تفکیک «امر خصوصی» از «امر عمومی» است. فقه اسلامی در کنار تأکید بر عفت و پاکدامنی، به اصل ستر و پرهیز از تجسس نیز توجه دارد. بنابراین، هر سیاست کیفری مبتنی بر فقه باید میان رفتار فردی که در حریم خصوصی واقع می‌شود و رفتارهایی که علناً یا به شکل قابل دسترس برای عموم انجام می‌گیرد، تفاوت بگذارد. این تفکیک، هم در تعیین عنوان فقهی و هم در تعیین نوع واکنش، اثر مستقیم دارد. همچنین باید توجه کرد که هرزه‌نگاری، صرفاً «محتوای جنسی» نیست، بلکه «صنعت» و «فرآیند» نیز هست. فرآیندی که تولید، تدوین، بازنشر، تبلیغ، فروش و حتی بهره‌برداری از داده‌های کاربران را شامل می‌شود. در فقه، هر مرحله از این زنجیره می‌تواند موضوع حکم مستقل قرار گیرد، زیرا اعانه بر اثم و تعاون بر گناه، به یک رفتار منحصر نمی‌شود و هر عملی که مقدمه غالب گناه باشد یا به تحقق آن کمک کند، می‌تواند عنوان ثانوی پیدا کند.



بخش دوم: بیان مسئله

جرم‌انگاری هرزه‌نگاری در یک نظام حقوقی متأثر از فقه، با مجموعه‌ای از مسائل نظری و عملی روبه‌روست. مسئله نخست، «تشخیص موضوع» است. هرزه‌نگاری مفهومی طیفی است و مرز آن با برخی تولیدات هنری، رسانه‌ای یا آموزشی روشن و هم‌داستان نیست. اگر تعریف بیش از اندازه موسع باشد، امکان دارد برخی آثار فرهنگی یا آموزشی نیز ذیل عنوان مجرمانه قرار گیرد. اگر تعریف بیش از اندازه مضیق باشد، بخش مهمی از محتوای مخرب از حوزه جرم‌انگاری خارج می‌ماند و هدف حمایت از عفت عمومی تأمین نمی‌شود.

مسئله دوم، «چندلایه بودن رفتار مجرمانه» است. در فضای دیجیتال، یک فرد می‌تواند هم تولیدکننده باشد، هم توزیع‌کننده، هم ذخیره‌کننده، و هم مصرف‌کننده. افزون بر آن، نقش پلتفرم‌ها، میزبان‌های داده، و الگوریتم‌ها، ساختار مسئولیت را پیچیده کرده است. فقه باید روشن کند که مسئولیت اخلاقی و حقوقی هر یک از این نقش‌ها در چه حد است و آیا صرف «امکان دسترسی» به محتوا، برای تحقق عنوان اشاعه فحشا کافی است یا نیازمند قصد و اقدام مثبت است.

مسئله سوم، «نسبت جرم‌انگاری با اصل ستر و منع تجسس» است. هرچند هدف از جرم‌انگاری، صیانت از جامعه است، اما روش‌های مقابله اگر به تجسس گسترده در حریم خصوصی شهروندان بینجامد، با اصول فقهی و اخلاقی ناسازگار خواهد بود و می‌تواند به بی‌اعتمادی اجتماعی و نقض کرامت انسانی منجر شود. بنابراین، سیاست مقابله باید هم‌زمان به صیانت از عفت عمومی و صیانت از حریم خصوصی توجه کند.



مسئله چهارم، «تعیین نوع مجازات و حدود تعزیر» است. فقه امامیه در حوزه تعزیر، اختیارهایی برای حاکم شرع در چارچوب مصالح جامعه قائل است، اما این اختیار باید با معیارهای تناسب، پیشگیری مؤثر، و پرهیز از افراط و تفریط همراه باشد. پرسش این است که چه نوع واکنشی برای هر سطح از رفتار هرزه‌نگارانه مناسب است و چگونه می‌توان میان تولید تجاری، توزیع سازمان‌یافته، و مصرف فردی تفکیک گذاشت.

مسئله پنجم، «حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان» است. در هرزه‌نگاریِ کودک، مسئله فقط نقض عفت عمومی نیست، بلکه تعرض به کرامت و حقوق کودک و بهره‌کشی جنسی مطرح است. فقه باید بتواند با تکیه بر مبانی حرمت ظلم، حرمت ایداء، و ضرورت حمایت از ضعفا، رویکردی سخت‌گیرانه‌تر و روشن‌تر نسبت به این حوزه ارائه کند. در مجموع، مسئله پژوهش حاضر این است که فقه چگونه می‌تواند با حفظ اصول بنیادین خود، مفهوم هرزه‌نگاری را به صورت دقیق صورت‌بندی کند، مبانی جرم‌انگاری را تبیین نماید، و برای ارکان جرم و واکنش کیفری، معیارهای قابل اجرا ارائه دهد؛ به گونه‌ای که هم از عفت عمومی صیانت شود و هم امنیت حقوقی و کرامت انسانی آسیب نبیند.

بخش سوم: مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات مرتبط با هرزه‌نگاری را می‌توان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی کرد. حوزه نخست، پژوهش‌های فقهی و اخلاقی است که بر حرمت نظر به عورت، حرمت اشاعه فحشا، و آثار اخلاقی و تربیتیِ عریان‌نمایی تمرکز دارند. در این دسته، معمولاً بحث از «محتوا» و «اثر» پررنگ است و کمتر به سازوکارهای صنعتی و دیجیتالی تولید و توزیع پرداخته می‌شود. بسیاری از آثار فقهی کلاسیک، در قالب ابواب نکاح، حدود، تعزیرات، و امر به معروف و



نهی از منکر، گزاره‌های بنیادین درباره نگاه، خلوت، و مقدمات زنا ارائه کرده‌اند که قابلیت انطباق بر مصادیق جدید را دارد.

حوزه دوم، ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی است که هرزه‌نگاری را از حیث سیاست کیفری، طبقه‌بندی جرائم علیه عفت عمومی، و نسبت آن با آزادی بیان و حقوق بشر بررسی می‌کند. در این حوزه، بحث از تعریف قانونی، معیارهای تشخیص محتوای مستهجن، مسئولیت پلتفرم‌ها، و نقش پیشگیری اجتماعی برجسته است. همچنین رویکردهای جرم‌شناسی، بر عوامل تقاضا، اعتیاد رفتاری، و پیامدهای روانی و اجتماعی تمرکز کرده‌اند و از سیاست‌های صرفاً کیفری فاصله گرفته‌اند.

حوزه سوم، مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای است که به تحلیل صنعت پورنوگرافی، اقتصاد توجه، و اثر الگوریتم‌ها بر رفتار مصرف‌کننده می‌پردازد. این مطالعات نشان می‌دهد که هرزه‌نگاری در عصر دیجیتال تنها «متن» یا «تصویر» نیست، بلکه شبکه‌ای از تولید و مصرف است که با سازوکارهای تبلیغاتی و داده‌محور تقویت می‌شود. هرچند این ادبیات غالباً از زبان هنجاری فقه استفاده نمی‌کند، اما برای فهم موضوع و تشخیص دقیق «موضوع فقهی» بسیار راهگشاست.

در میان پژوهش‌های موجود، یک خلأ قابل توجه دیده می‌شود. بسیاری از آثار فقهی در سطح حکم کلی حرمت توقف می‌کنند و کمتر به تفصیل ارکان جرم و تفکیک سطوح مسئولیت می‌پردازند. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌های حقوقی به مبانی فقهی اشاره می‌کنند، اما سازوکار اجتهادی و قواعد فقهی را در استدلال دخیل نمی‌سازند. این مقاله تلاش می‌کند با پیوند دادن این دو حوزه، هم از ظرفیت قواعد فقهی برای صورت‌بندی جرم استفاده کند و هم از یافته‌های حقوقی و جرم‌شناختی برای واقع‌بینی نسبت به پیچیدگی فضای مجازی بهره‌برد.



بخش چهارم: روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی تحلیلی است. در مرحله توصیف، مفاهیم کلیدی مرتبط با هزینه‌نگاری و ابعاد آن در فضای واقعی و مجازی تبیین می‌شود تا موضوع پژوهش به صورت روشن تعریف گردد. در مرحله تحلیل، ادله فقهی و قواعد اصولی و فقهی که می‌تواند مبنای جرم‌انگاری و تعیین ارکان جرم قرار گیرد، استخراج و بررسی می‌شود. داده‌های پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای است و از منابع فقهی امامیه، آثار اصول فقه، و منابع حقوق کیفری و جرم‌شناسی استفاده شده است.

چارچوب تحلیل فقهی بر چند محور استوار است. محور نخست، بررسی ادله اولیه حرمت و نسبت آن با رفتارهای مرتبط با هزینه‌نگاری است. محور دوم، استفاده از قواعد فقهی مانند قاعده حرمت اعانه بر اثم، قاعده لاضرر، قاعده نفی سبیل در نسبت با سلطه فرهنگی، و قواعد مربوط به حفظ نظام و صیانت از اخلاق عمومی. محور سوم، تحلیل نهادی تعزیر و اختیارات حاکم در تنظیم ضمانت اجرا. در کنار این محورها، از یافته‌های حقوقی برای تنظیم معیارهای قابل اجرا و پرهیز از ابهام مفهومی بهره گرفته می‌شود.

بخش پنجم: مبانی فقهی حرمت و جرم‌انگاری هزینه‌نگاری

فقه اسلامی در مواجهه با پدیده‌های نو، ابتدا حکم رفتار را از منظر تکلیف فردی روشن می‌کند و سپس درباره امکان و حدود مداخله حاکمیت و ضمانت اجرای عمومی بحث می‌کند. در موضوع هزینه‌نگاری، دو لایه از تحلیل قابل طرح است. لایه نخست، حرمت نگاه،



نمایش و تولید محتوای جنسی محرک و مستهجن است. لایه دوم، جرم‌انگاری به معنای وضع مجازات و ضمانت اجرای عمومی برای پیشگیری از اشاعه و صیانت از جامعه است.

از منظر ادله شرعی، چند عنوان اساسی نقش بنیادین دارد. یکی، اصل حفظ عفت و کنترل نگاه و رفتار جنسی است که در منابع فقهی با دقت مورد توجه قرار گرفته است. اگر محتوای هرزه‌نگارانه به گونه‌ای باشد که نگاه به آن عرفاً مصداق نگاه حرام یا مقدمه غالب فعل حرام تلقی شود، حکم حرمت برای مصرف‌کننده و نیز برای فراهم‌کننده زمینه تحقق می‌یابد. در این چارچوب، تولیدکننده یا ناشر، تنها «ناظر بیرونی» نیست، بلکه به سبب فراهم‌سازی مقدمه گناه و تهییج به آن، در دایره مسئولیت قرار می‌گیرد.

عنوان دیگر، اشاعه فحشا است. هر رفتاری که به گسترش بی‌حیایی و عادی‌سازی نمایش جنسی در سطح عمومی بینجامد، می‌تواند ذیل این عنوان قرار گیرد. در تحلیل فقهی، اشاعه فحشا صرفاً به معنای ارتکاب علنی گناه نیست، بلکه می‌تواند شامل انتشار ابزار و محتوایی شود که موجب رواج گناه و تضعیف هنجارهای عفت می‌گردد. در فضای مجازی، انتشار یک فایل یا ایجاد کانال توزیع، مصداق بارز «گسترش امکان دسترسی» است و از همین رو، عنوان اشاعه فحشا می‌تواند مبنای جرم‌انگاری قرار گیرد. همچنین قاعده اعانه بر اثم، مبنای مهمی است. هرزه‌نگاری در بسیاری از موارد، رفتار جمعی و شبکه‌ای است. فردی تولید می‌کند، دیگری تدوین می‌کند، دیگری تبلیغ می‌کند، و دیگری درگاه پرداخت یا میزبانی فراهم می‌آورد. اگر فعالیت هر یک از این حلقه‌ها، عرفاً کمک مؤثر به تحقق فعل حرام باشد و رابطه سببیت عرفی برقرار گردد، عنوان اعانه بر اثم مطرح می‌شود. در این نگاه، مسئولیت فقهی محدود به مصرف‌کننده نیست و «زنجیره» مورد توجه قرار می‌گیرد.



قاعده لاضرر و نیز اصل دفع مفسده، از زاویه‌ای دیگر مسئله را تقویت می‌کند. هرزه‌نگاری به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند آسیب‌های خانوادگی، تربیتی و روانی ایجاد کند، از منظر فقهی تنها یک گناه فردی نیست، بلکه می‌تواند مصداق ضرر اجتماعی باشد. البته اثبات میزان ضرر در هر مورد نیازمند بررسی‌های کارشناسی است، اما در مقام سیاست‌گذاری، اصل وجود مفسده قابل توجه می‌تواند مجوز مداخله حاکمیت را فراهم کند، به‌ویژه در مواردی که آسیب به کودکان و نوجوانان یا بهره‌کشی جنسی مطرح است.

نکته مهم در جرم‌انگاری فقهی، تفکیک میان «حرمت تکلیفی» و «ضمانت اجرای کیفری» است. ممکن است عملی حرام باشد، اما کیفر عمومی برای آن مقرر نشود، زیرا تحقق جرم مستلزم شرایط دیگری مانند تظاهر، ایجاد مفسده عمومی، یا تهدید نظم اجتماعی است. بنابراین، برای جرم‌انگاری هرزه‌نگاری باید نشان داد که این پدیده غالباً از نوع رفتارهایی است که آثار عمومی دارد و در سطح اجتماعی تهدید ایجاد می‌کند. در هرزه‌نگاری دیجیتال، عنصر انتشار و قابلیت دسترسی عمومی معمولاً این شرط را فراهم می‌کند.

بخش ششم: تحلیل ارکان جرم هرزه‌نگاری در فقه

برای صورت‌بندی جرم هرزه‌نگاری، می‌توان از الگوی ارکان جرم استفاده کرد، با این ملاحظه که در فقه، زبان تحلیل متفاوت است اما قابلیت هم‌نشینی با مفاهیم حقوق کیفری را دارد.

عنصر موضوعی یا متعلق رفتار، همان محتوای هرزه‌نگارانه است. در فقه، محتوایی که عرفاً موجب تحریک جنسی نامشروع شود و حریم عفت را نقض کند، می‌تواند متعلق حکم قرار گیرد. معیار «عرف» در اینجا نقش مهمی دارد، زیرا تشخیص تحریک‌کنندگی و مستهجن



بودن، تا حدی به عرف، فرهنگ و شرایط زمانی وابسته است. البته عرف، بی ضابطه نیست و باید با مقاصد شریعت و معیارهای عفت و کرامت انسانی سنجیده شود. از همین رو، بهتر است معیارهایی چون صراحت نمایش اندام جنسی، نمایش عمل جنسی، و غلبه کارکرد تحریک آمیز بر سایر کارکردها در تعریف لحاظ گردد.

عنصر مادی، شامل رفتارهای بیرونی است. در هرزه‌نگاری، رفتارهای مادی می‌تواند تولید، ذخیره‌سازی با قصد توزیع، انتشار، فروش، نمایش عمومی، تبلیغ، و تسهیل دسترسی باشد. در فقه، برخی از این رفتارها می‌تواند به عنوان مقدمه حرام یا مصداق اعانه بر اثم شناخته شود. نکته تعیین کننده، نقش «قصد و آگاهی» و نیز «رابطه مؤثر» رفتار با تحقق مفسده است. برای نمونه، صرف نگهداری خصوصی یک فایل هرزه‌نگارانه، هرچند از حیث تکلیفی ممکن است حرام باشد، اما برای تبدیل شدن به جرم عمومی نیازمند احراز شرایطی مانند ترویج، عرضه، یا ایجاد دسترسی برای دیگران است. این تفکیک، هم با اصول فقهی ستر سازگارتر است و هم از حیث سیاست کیفری، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

عنصر معنوی یا روانی، در فقه غالباً با مفاهیمی مانند قصد، علم، عمد، و اختیار بررسی می‌شود. در جرم هرزه‌نگاری، باید میان کسی که به صورت عمدی و آگاهانه تولید یا توزیع می‌کند و کسی که بدون قصد، صرفاً به سبب ناآگاهی یا فریب، محتوایی را منتقل می‌سازد تفاوت گذاشت. همچنین باید میان توزیع تجاری سازمان یافته و رفتارهای اتفاقی تفکیک کرد. فقه امامیه در باب تعزیر، امکان لحاظ کردن این تفاوت‌ها را دارد و حاکم می‌تواند با توجه به شدت مفسده و درجه تقصیر، واکنش متفاوتی اتخاذ کند. مسئله دیگری که در عنصر معنوی مهم است، «قصد افساد» در سطح کلان است. برخی رفتارها صرفاً مصرف شخصی است، اما



برخی دیگر با هدف تخریب اخلاق عمومی، جذب مخاطب گسترده یا کسب درآمد از تحریک جنسی انجام می‌شود. هرچه قصد و جهت گیری اجتماعی رفتار پررنگ‌تر باشد، عنوان اشاعه فحشا و افساد اخلاقی تقویت می‌شود و زمینه واکنش شدیدتر فراهم می‌گردد.

بخش هفتم: جایگاه تعزیر و سیاست کیفری در برخورد فقهی با هرزه‌نگاری

در فقه امامیه، بسیاری از رفتارهای مرتبط با عفت عمومی و اخلاق اجتماعی، در قلمرو تعزیر قرار می‌گیرد. تعزیر به معنای مجازاتی است که نوع و میزان آن به حاکم واگذار شده تا با توجه به مصالح، مفاسد، شرایط زمان و مکان، و وضعیت مرتکب، واکنش مناسب را تعیین کند. از این ظرفیت می‌توان برای مواجهه با هرزه‌نگاری بهره برد، زیرا مصادیق آن بسیار متغیر و وابسته به فناوری است و تعیین مجازات ثابت و یکسان برای همه حالات، هم دشوار است و هم ممکن است به بی‌عدالتی بینجامد.

در سیاست کیفری مبتنی بر فقه، نخست باید هدف روشن شود. هدف صرفاً مجازات نیست، بلکه صیانت از عفت عمومی، پیشگیری از گسترش فحشا، حمایت از خانواده، و مراقبت از کودکان و نوجوانان است. بنابراین، واکنش کیفری باید با اهداف پیشگیرانه همراه باشد. در بسیاری از موارد، برخورد فرهنگی، درمانی و حمایتی نسبت به مصرف‌کنندگان گرفتار، کارآمدتر از واکنش سخت کیفری است، در حالی که نسبت به تولیدکنندگان سازمان‌یافته و شبکه‌های تجاری، واکنش سخت‌گیرانه توجیه‌پذیرتر است.

تفکیک سطح رفتارها در طراحی سیاست کیفری بسیار حیاتی است. می‌توان سطحی را برای تولید و توزیع سازمان‌یافته، سطحی را برای انتشار گسترده و تبلیغ، و سطحی را برای نگهداری



و مصرف فردی در نظر گرفت. در سطح نخست، به سبب شدت مفسده و گستره آسیب، تعزیر شدیدتر و همراه با تدابیر محرومیت‌زا می‌تواند مطرح باشد. در سطح دوم، واکنش متناسب با گستره انتشار و میزان اثرگذاری بر مخاطب تعیین می‌شود. در سطح سوم، تمرکز بر پیشگیری، آموزش، درمان اعتیاد رفتاری، و حمایت از خانواده می‌تواند اولویت داشته باشد، مگر اینکه رفتار فردی به تظاهر و اشاعه منتهی شود.

از منظر فقهی، یک نگرانی مهم این است که واکنش کیفری نباید به ترویج بیشتر گناه بینجامد. گاهی شیوه‌های برخورد و رسانه‌ای کردن پرونده‌ها، موجب کنجکاوی عمومی و گسترش توجه به محتوای هرزه‌نگارانه می‌شود. اصل پرهیز از اشاعه فحشا اقتضا می‌کند که شیوه رسیدگی، اطلاع‌رسانی و اجرای مجازات‌ها با ملاحظه کرامت انسانی و حفظ حریم جامعه انجام شود. همچنین اصل تناسب و عدالت اقتضا می‌کند که مجازات‌ها بر اساس درجه تقصیر و نقش واقعی افراد تعیین گردد. در فضای مجازی، ممکن است افراد کم‌سن یا کم‌آگاه، بدون درک کامل پیامدها، در چرخه بازنشر قرار گیرند. فقه با توجه به معیارهایی مانند بلوغ، رشد، علم و عمد، ظرفیت تفکیک این موارد را دارد و می‌تواند سیاستی عقلانی‌تر ارائه دهد.

بخش هشتم: چالش‌های فقهی و اجرایی هرزه‌نگاری در فضای مجازی و راهکارهای پیشنهادی

فضای مجازی ویژگی‌هایی دارد که تحلیل فقهی را پیچیده‌تر می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، سرعت انتشار و دشواری کنترل است. در محیط سنتی، توزیع محتوای مستهجن نیازمند امکانات و شبکه محدود بود، اما امروز یک فرد می‌تواند با یک تلفن همراه، تولید و انتشار گسترده انجام دهد. این ویژگی سبب می‌شود که تمرکز صرف بر واکنش کیفری پسینی،



کارآمدی محدودی داشته باشد و سیاست پیشگیری و مدیریت دسترسی اهمیت بیشتری پیدا کند.

چالش دیگر، فراملی بودن پلتفرم‌ها و میزبان‌هاست. بسیاری از محتواها در بسترهایی منتشر می‌شود که خارج از قلمرو حاکمیت داخلی قرار دارند. در این وضعیت، فقه در مقام سیاست‌گذاری باید میان «تکلیف فردی» و «امکان اجرای حاکمیت» تفکیک کند و به راهکارهایی مانند همکاری‌های بین‌المللی، تقویت سواد رسانه‌ای، و ایجاد خدمات سالم بومی توجه نشان دهد.

چالش سوم، مسأله تجسس و حریم خصوصی است. مقابله با هرزه‌نگاری اگر به نظارت فراگیر و بی‌ضابطه بر زندگی خصوصی مردم منجر شود، با اصول اخلاقی و فقهی تعارض پیدا می‌کند. راهکار فقهی در اینجا می‌تواند تکیه بر اصل «تمرکز بر مظاهر علنی و شبکه‌های توزیع» باشد. یعنی برخورد اصلی متوجه تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و کانون‌های اشاعه باشد، نه جست‌وجو در زندگی خصوصی افراد. از منظر فقهی، هرچه رفتار بیشتر جنبه عمومی و اشاعه داشته باشد، مداخله مشروع‌تر است.

چالش چهارم، ابهام در تشخیص مصادیق است. در برخی محتواها، مرز میان تحریک جنسی و بیان هنری یا روایت داستانی روشن نیست. راهکار پیشنهادی، تدوین معیارهای تخصصی با مشارکت کارشناسان حقوقی، فرهنگی، روان‌شناسی و فقهی است تا از سلیقه‌ای شدن تشخیص جلوگیری شود. فقه می‌تواند معیار کلی عفت و پرهیز از تهییج به گناه را ارائه کند، اما ترجمه آن به معیار اجرایی نیازمند کارشناسی دقیق است.



چالش پنجم، مسئله کودکان است. در هرزه‌نگاری مرتبط با کودک، موضوع از یک «محتوای مستهجن» فراتر می‌رود و به «بهره‌کشی جنسی» تبدیل می‌شود. در این حوزه، راهکار باید مبتنی بر حمایت قاطع، مجازات‌های بازدارنده برای شبکه‌های تولید، و خدمات حمایتی و درمانی برای قربانیان باشد. فقه با تکیه بر حرمت ظلم، حرمت ایذاء، و قاعده حفظ نفس و عرض، می‌تواند مبنای محکم برای تشدید واکنش و نیز الزام به حمایت از قربانی ارائه کند.

در نهایت، باید توجه داشت که هرزه‌نگاری، فقط مسئله قانون نیست، بلکه مسئله فرهنگ و اقتصاد نیز هست. تا زمانی که تقاضا وجود دارد و سازوکارهای سودآور این صنعت فعال است، صرف مجازات پاسخ کامل نخواهد بود. بنابراین، سیاست مبتنی بر فقه باید هم‌زمان بر اصلاح فرهنگ عمومی، تقویت خانواده، آموزش جنسی سالم و متناسب با ارزش‌ها، و ایجاد سازوکارهای حمایت روانی و اجتماعی برای افراد گرفتار تأکید کند.

نتیجه‌گیری

هرزه‌نگاری پدیده‌ای نوپدید از حیث عنوان و فناوری است، اما از حیث ماهیت رفتاری، با موضوعات شناخته‌شده فقهی پیوند دارد. فقه امامیه با تکیه بر ادله حرمت نگاه و مقدمات گناه، عنوان اشاعه فحشا، قاعده اعانه بر اثم، و قواعدی مانند لاضرر و دفع مفسده، ظرفیت قابل توجهی برای تبیین حرمت و همچنین توجیه جرم‌انگاری هرزه‌نگاری دارد. با این حال، تبدیل این ظرفیت به سیاست کیفری کارآمد نیازمند دقت در تعریف، تفکیک مصادیق، و رعایت اصولی مانند تناسب، حفظ کرامت انسانی، و پرهیز از تجسس است.



تحلیل ارکان جرم نشان داد که عنصر انتشار و ایجاد دسترسی عمومی، نقش کلیدی در تبدیل رفتار حرام به جرم عمومی دارد. همچنین روشن شد که تفکیک نقش‌ها در زنجیره تولید تا توزیع و مصرف، برای عدالت کیفری ضروری است و فقه با ابزار تعزیر می‌تواند واکنش‌های متنوع و متناسب طراحی کند. در سطح راهبردی، برخورد با هرزه‌نگاری در فضای مجازی، بدون رویکرد پیشگیرانه فرهنگی و حمایتی، نتیجه محدود خواهد داشت. از منظر فقهی، تأکید بر حمایت ویژه از کودکان، تمرکز بر شبکه‌های اشاعه و کسب‌وکارهای هرزه‌نگارانه، و کاهش آسیب به جای صرفاً افزایش مجازات، می‌تواند به سیاستی واقع‌بینانه‌تر و کارآمدتر بینجامد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، سیدمحمد. «سیاست کیفری در جرائم علیه عفت عمومی با تأکید بر فضای مجازی». مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، سال ۱۳۹۸، شماره ۲، صفحات ۹۱ تا ۱۲۶.
۲. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد اول. تهران: میزان، چاپ‌های متعدد.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله. تحریرالوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ‌های متعدد.
۴. انصاری، مرتضی. المکاسب. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ‌های متعدد.
۵. حرّ عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، چاپ‌های متعدد.
۶. حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ‌های متعدد.
۷. خوئی، سیدابوالقاسم. مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، چاپ‌های متعدد.
۸. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، چاپ‌های متعدد.
۹. صانعی، یوسف. فقه و حقوق خانواده و مسائل مستحدثه. قم: دفتر نشر معارف، چاپ‌های متعدد.
۱۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ‌های متعدد.



۱۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیة. قم: مکتبه المرتضویه، چاپ‌های متعدد.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، چاپ‌های متعدد.
۱۳. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. قم: دار احیاء التراث العربی، چاپ‌های متعدد.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین. جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی. تهران: میزان، چاپ‌های متعدد.
۱۵. گلدوزیان، ایرج. بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، چاپ‌های متعدد.

ب) منابع انگلیسی

۱. Ashworth, Andrew, and Jeremy Horder. *Principles of Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press, ۲۰۱۳.
۲. Brown, Jonathan A. C. *Misquoting Muhammad: The Challenge and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy*. London: Oneworld Publications, ۲۰۱۴.
۳. Dworkin, Ronald. *A Matter of Principle*. Cambridge, MA: Harvard University Press, ۱۹۸۵.
۴. Hallaq, Wael B. *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۹.
۵. Kamali, Mohammad Hashim. *Principles of Islamic Jurisprudence*. Cambridge: Islamic Texts Society, ۲۰۰۳.



۶. MacKinnon, Catharine A. *Only Words*. Cambridge, MA: Harvard University Press, ۱۹۹۳.
۷. Sunstein, Cass R. *The Second Bill of Rights: FDR's Unfinished Revolution and Why We Need It More Than Ever*. New York: Basic Books, ۲۰۰۴.
۸. Zillmann, Dolf, and Jennings Bryant, eds. *Pornography: Research Advances and Policy Considerations*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, ۱۹۸۹.